

علاوه بر شخصیت ناتاشا، استفاده از بازیگر زن برای ایفای نقش پلیس که تا قبل از سریال «خواب و بیدار» کمتر دیده شده بود، شوخی‌های بین این داماد و برادر زن خارج از محیط کار و رابطه خوب بین زن و شوهر سریال، پلیس‌های این داستان را به یاد ماندنی کرد و باعث شد این سریال در زمان خود حسابی گل کند و دیده شود



## صادقی، طباطبایی و حکیمی در خواب و بیدار



هنوز هم خیلی‌ها با نام مجرم اصلی داستان «ناتاشا» این سریال را می‌شناسند. سریال، هم رازآلود و جنایی بود، هم پلیسی. مهدی فخیم‌زاده در این سریال ساختارشکنی کرده بود و برای اولین بار نقش اصلی داستان را به یک زن داده بود و از طرفی هم نشان داده بود مجرم هم می‌تواند یک آدم شیک و پیک باشد. اما یکی از چیزهای جذاب در سریال‌ها روابط خانوادگی پلیس‌های سریال است. این‌که مثلاً در خانه هم همین قدر خشک و جدی هستند؟ حالا در این سریال با خانواده‌ای روبه‌رو بودیم که زن و شوهر هر دو پلیس بودند.

لادن طباطبایی و محمد صادقی هر دو پلیس و زن و شوهر بودند و دانیال حکیمی هم برادر خانم محمد صدیقی و پلیس بود. استفاده از بازیگر زن برای ایفای نقش پلیس که تا قبل از این سریال کمتر دیده شده بود، شوخی‌های بین این داماد و برادر زن خارج از محیط کار و رابطه خوب بین زن و شوهر سریال، پلیس‌های این داستان را به یاد ماندنی کرد و باعث شد این سریال در زمان خود حسابی گل کند و دیده شود. البته نقش‌های دیگر این سریال هم حسابی ماندگار شد، طوری که هنوز رویا نونهالی را با ناتاشا و لیلا برخوردار را با کبری به یاد می‌آورند.



سریال پلیسی را روی آنتن شبکه یک برد بردگی جمیل با بازی مهدی سلطانی بود. نوازش سرگرد سبزی با بازی آتیلا پسیانی، از زندان بود. نکته‌ای که باعث شد نقشی که به شدت دیده شود، این بود که این پلیس با تمام پلیس‌هایی که قبل‌تر در فراوانی داشت. رابطه قهرمان و ضدقهرمان این سریال تنها رابطه انانودگی داشتند و از این رو همسر سرگرد سبزی تحت فشار روانی است در آستانه آزادی جمیل رابطه عاطفی بین پسر سرگرد سبزی و ساله شغل سرگرد را تحت تأثیر قرار داده است.



پلیسی شلیک نهایی را روی آنتن برده بود نت سریال کلانتر را آغاز کرد. این مجموعه (با بازی ایرج نودری) و ستوان رضا بیات ایپزود به حل معماهای پلیسی می‌پرداخت. این سریال به بکس نبود و سرگرد امیری این سریال با تکیه بر هوشش می‌کرد. نودری در این سریال یک سرگرد چهارشانه و خوش تیپ نقش بر آب می‌کرد و همین نبوغ و هوشش باعث شد این نقش است، ماندگار شود. البته مخاطبان خود نودری را هم دوست داشتند. کلانتر ۲ مخاطبان بیشتری داشت و در کلانتر ۳ بافت شدید بازیگران بسیاری از مخاطبان را از دست داد. از طرفی نبود ایرج مخاطب زد و آن‌طور که باید و شاید دیده نشد.

## داریوش فرهنگ در شلیک نهایی



از آن دسته از سریال‌های پرتعداد زمان خود بوده است. دلیلش هم این است که اتفاق‌های سریال از یک داستان واقعی الهام گرفته شده است. می‌شود گفت اولین سریالی بود که کلیت داستان و اتفاق‌هایی که در طی سریال می‌افتد تماماً پلیسی -معمایی است. داریوش فرهنگ در نقش سرگرد کلانی و رضا کیانیان در نقش دوست صمیمی سرگرد کلانی و یکی از اعضای باند قاچاق مواد مخدر، نقش‌های اصلی این سریال را بازی می‌کردند. سرگرد کلانی، پلیس مقتدر، کارکننده و جدی‌ای است که برای نفوذ به باندی مخوف خود را به شکل یک جاعل حرفه‌ای با نام مستعار سیواش در آورده و از این طریق خود را وارد این باند کرده است که انصافاً داریوش فرهنگ خیلی خوب از پس این نقش برآمده است. همین هیجان بالای این نقش هم باعث شد در ذهن مخاطب ماندگار شود که به گفته و اعتقاد منتقدان بخش مهمی از این شخصیت در بخش دوم شکل گرفته که با وجود بهره گرفتن گاه بیش از اندازه از کلیشه‌ها تا حدود زیادی خوب و باورپذیر از کار درآمده است. موفقیت این سریال باعث شد داریوش فرهنگ در سال‌های بعدی دوباره در نقش‌های مختلف پلیسی ظاهر شود اما هیچ‌کدام موفقیت شلیک نهایی را تکرار نکرد.

## حسین یاری در هوش سیاه



تا قبل از پخش این سریال مخاطبان فکر می‌کردند با یک فیلم پلیسی تمام عیار از نوع تعقیب و گریز و بگير و ببند طرف هستند، اما بعد از پخش این سریال مشخص شد این سریال قرار است به جرایم رایانه‌ای بپردازد. این سریال اردیبهشت ۸۹ به کارگردانی مسعود آب‌پرور روی آنتن شبکه سه سیما رفت. سوژه جدید این سریال یکی از نقاط مثبت این فیلم بود که باعث شد مخاطبان حسابی از آن استقبال کنند، به خصوص مخاطبان جوان این سریال، مسائل رایانه‌ای برایشان جذاب و هیجان‌انگیز است. کیکاووس یاکیده در نقش مجرم یا همان هوش سیاه سریال و حسین یاری در نقش سرگرد احمدی ضد قهرمان و قهرمان این سریال بودند. نقش سرگرد احمدی یکی از نقش‌های پلیسی ماندگار شد به چند دلیل. اول این‌که سرگرد احمدی با یک مجرم عادی روبه‌رو نبود. متهم یک نابغه در زمینه مسائل رایانه‌ای بود و طبیعتاً باید به همان مقدار هوش و ذکاوت به خرج می‌داد. دوم این‌که شغل او خانواده‌اش را هم درگیر مسائل کاری کرده بود و هوش سیاه سراغ پسرش سهیل هم رفته و زندگی و شغل سرگرد احمدی را تحت تأثیر قرار داده بود. به همین دلیل بازی حسین یاری در این نقش کاملاً باورپذیر بود و همین کافی است تا بیشتر مخاطبان حسین یاری را با دو سریال شب دهم و هوش سیاه به یاد بیاورند.



تلویزیون دوباره سراغ ساخت یک سریال پلیسی رفته بود، اما نباید از بازی شهاب حسینی هم ساده گذشت.

بازی حسینی و علت ورودش به نیروی انتظامی یکی از دلایلی بود که باعث شد او در این نقش دیده شود و تا سال‌ها و قبل از بازی‌های درخشانش در فیلم‌های سینمایی، با همین سریال شناخته شود. این سریال با نقش یونس نشان داد یک پلیس همیشه و همه‌جا نباید رفتاری اتوکشیده داشته باشد؛ او هم در زندگی عادی‌اش عصبانی می‌شود، شاید درگیری داشته باشد و کتک‌کاری هم بکند. البته خیلی از منتقدان معتقدند این رفتارها از پلیس بعید است و به هر حال این افراد به نوعی الگوی جامعه محسوب می‌شوند و از طرف دیگر این سریال تنها آغاز خوبی داشت و ادامه ضعف فیلم‌نامه بیشتر خودش را نشان داد.



پخش شده بود، فرق داشت. ماجراهای ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۵ اتفاق می‌افتاد. داستان سریال مورد کارگاه علوی با بازی احمد نجفی بود که ت عجیبی روبه‌رو بود که هر کدام از این اتفاق‌ها ت می‌شد. بازی خوب احمد نجفی با لحن خاصش در بیان دیالوگ‌ها دوباره به کار فراخوانده شده و در تمام پرونده‌ها مورا از ماست بیرون برد یکی از دلایلی است که این سریال و این نقش بعد از گذشت محبوب مخاطبان تلویزیون باشد و خیلی از همین مخاطبان احمد ند و می‌شناسند. البته بعدتر کارآگاه علوی ۲ هم ساخته شد که در ی فساد رژیم شاه می‌پرداخت و مثل کارآگاه علوی ۱ دیده نشد و به

## جوان

زود برسر زبان‌ها افتاد. یونس (با بازی شهاب حسینی) نقش اول این سریال بود که پدرش که یک قاضی دادگستری بود به طرز خیلی مشکوکی به قتل رسید. یونس به توصیه مادرش وارد دانشکده پلیس شد. او در خلال جست‌وجوی علت قتل پدرش با ماجراهای جدید درگیر می‌شود. شاید پلیس جوان بیشتر به این دلیل دیده شد که پس از چند سال

از حضور چنین بیروس مقدم با شد. پلیس جوان نام کارگردان به ش که در رابطه ایدز بود خیلی